

سیره حضرت زهرا علیها السلام

در گفتار اهل سنت

دکتر مصطفی شیروانی خوزانی / دکتر عزت‌الله مولائی‌نیا / محمود رضا توکلی محمدی
استادیار دانشگاه قم / استادیار دانشگاه قم / مربی و عضو هیئت علمی دانشگاه قم

چکیده

این مقاله می‌کوشد به بررسی رفتار فردی حضرت زهرا علیها السلام و نیز ارزش‌های اجتماعی حضرت با تأکید بر منابع اهل سنت بپردازد. در این زمینه، ارزش‌های اخلاقی همچون عبادت، عفت، زهد، حیا، و برخورد‌های اجتماعی حضرت با اطرافیان از جمله با پدر، همسر، فرزندان، مظلومان، یتیمان، فقرا و ... و نیز فعالیت‌های اجتماعی ایشان قبل و بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله مورد بررسی قرار می‌گیرد و برای هر کدام از این موارد از کتاب‌های معتبر اهل سنت نمونه و شاهدی بیان می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: حضرت زهرا علیها السلام، ارزش‌های اخلاقی، رفتار اجتماعی، منابع اهل

سنت.

مقدمه

حضرت زهرا علیها السلام در محیطی متولد گشت که از آن به «محیط جاهلی» یاد می‌شود؛ محیطی که فاقد هرگونه معیاری برای تعیین ارزش‌های اجتماعی و صفات کریمه انسانی است. محیطی که مشخصه آن جهل است؛ جهلی که بنا بر تأیید قرآن، سنت، روایات اهل بیت عصمت و طهارات علیهم السلام و ادبای عرب، مقابل آن «حلم» است نه علم. آری، محیطی که عاری از هرگونه ارزش انسانی و حلم و بردباری - که سنگ بنای اصول انسانی است - می‌باشد. مشخصه‌هایی همچون خرافه پرستی، زنده به گور کردن دختران، گرفتن جان انسان‌ها به کمترین بی‌ارزش‌ترین بهانه‌ها، فخر فروشی‌های نابخردانه نظیر شمارش قبور مردگان و در یک جمله، ارزش شمردن ضدارزش‌های فردی و اجتماعی از ویژگی‌های اصلی این عصر می‌باشد. اما در همین زمان دردانه‌ای از خاتم پیامبران محمد مصطفی صلی الله علیه و آله چشم به جهان می‌گشاید که باید به او لقب «بت شکن» داد؛ بت شکنی که نه تنها سنت‌های غلط گذشته را به باد انتقاد گرفت، بلکه به مبارزه و مخالفت با جاهلیت مدرنی پرداخت که بعد از وفات پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در جامعه اسلامی نفوذ کرده، میوه شومش خانه نشین شدن مولای متقیان امام علی علیه السلام و سلب حق ایشان در راهبری و هدایت جامعه اسلامی بود.

این مقاله می‌کوشد با بررسی ویژگی‌های فردی و اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام از منابع اهل سنت، الگویی بی‌بدیل را به زنان مسلمان عالم معرفی نماید.

الف. ارزش‌های فردی و اخلاقی حضرت زهرا علیها السلام

دخت پیامبر اعظم علیها السلام دارای صفات والای انسانی و ارزش‌های اخلاقی برجسته‌ای است که هر مسلمان شیعی مذهبی به‌خوبی با آن آشنا و به آن واقف است و جای جای کتب اسلامی و مذهبی شیعه آکنده از آن می‌باشد، اما باید دانست که در کتب اهل سنت نیز در این مورد مطالب ارزشمندی بیان گردیده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. عبادت

عبادت در نظر اول ممکن است به عنوان برخی اعمال و مراسم مذهبی که انجام آن بر هر شخص مسلمان بر طبق دستورات شرعی لازم است تعریف گردد، ولی عبادت در معارف اسلامی معنای وسیع‌تر و گسترده‌تر از این تعریف دارد: نهایت تسلیم و خضوع و خشوع در پیشگاه آن ذات ازلی و ابدی، و رضا بودن به رضای او.

در این عبادت واقعی است که انسان به نهایت خویشتن‌داری و دوری از گناه و معصیت می‌رسد و جای جای عالم هستی را محضر او پنداشته و در محضرش ترک هرگونه معصیت و نافرمانی می‌نماید و همچنان ورد زبانش اظهار ضعف و عجز در شناخت پروردگار بلندمرتبه و عدم رعایت شایسته و بایسته حق عبادت اوست.

حسن بصری در باب عبادت سیده زنان عالم چنین می‌گوید: «ما کان فی هذه الأمة أعبد من فاطمة، کانت تقوم حتی تورم قدماها» (زمخشری، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۰۴)؛ در این امت کسی عابدتر از فاطمه علیها السلام نبود، آن قدر روی پاهای خود می‌ایستاد که قدم‌هایش ورم می‌نمود.

وی در تفسیر آیه شریفه «وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا» (انسان: ۱۲)، پس از بیان ماجرای بیماری امام حسن و امام حسین علیهما السلام و نذر امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و خادمه ایشان فضا، و روزه‌داری ایشان در سه روز پیپی و افطار با آب، چنین می‌نویسد: پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست و به همراه علی به خانه ایشان آمد و فاطمه علیها السلام را دید که در محراب ایستاده و از گرسنگی پوست شکمش به پشت او چسبیده و دیدگانش به کاسه فرو رفته است. مشاهده آن وضع، پیامبر صلی الله علیه و آله را ناراحت کرد. در این هنگام، جبرئیل نازل شد و سوره «هل أتی» را بر رسول

خدا سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرو آورد و به او گفت: «خذاها یا محمد سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هناک الله فی أهل بیتک» و به این وسیله، پیامبر سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به داشتن چنین خاندان بزرگی تبریک گفت. (زمخشری، ۱۴۱۰ ق، ج ۴، ص ۱۳۱۳-۱۳۱۴)

آری، این است حکایت عبادت بانوی دو عالم که بعد از سه روز روزه‌داری بدون خوردن لقمه‌ای غذا چنین خالصانه و صادقانه روی به درگاه معبود خویش می‌نماید و به درگاه او پناه می‌برد و در هیچ حال، حتی در اوج سختی‌ها یاد او را از یاد نمی‌برد و مراتب بندگی خود را به بهترین و برترین وجه به درگاهش اظهار می‌دارد.

۲. توکل

در باب توکل حضرت زهرا عَلِیْهَا السَّلَام مطالب فراوانی در کتب شیعه بیان گردیده است. در اینجا، روایتی در همین زمینه، به نقل از ابن جوزی بیان می‌گردد:

در شب عروسی حضرت زهرا عَلِیْهَا السَّلَام، رسول اکرم سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای ایشان لباسی نو تهیه کرده بود، در حالی که حضرت زهرا عَلِیْهَا السَّلَام لباسی کهنه نیز در منزل داشت. شب زفاف سائلی بر در خانه آمد و گفت: از خانه نبوت لباسی می‌خواهم. حضرت زهرا عَلِیْهَا السَّلَام خواستند لباس کهنه را به او بدهند که به یاد آیه شریفه «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران: ۴۲)* افتادند. پس لباس عروسی خود را به سائل انفاق نمود. در این هنگام جبرئیل نازل شد و فرمود: ای محمد سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، خدا بر تو سلام می‌فرستد و به من دستور داده که به حضرت فاطمه عَلِیْهَا السَّلَام سلام گویم، و توسط من هدیه‌ای از لباس بهشت را که از سندس و

* هرگز به نیکوکاری نمی‌رسید، مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق نمایید.

خضر درست شده فرستاده تا به او بدهم. (صفوری، [بی تا]، ج ۲، ص ۲۲۶ به نقل از:

ابن جوزی)

آری، در راه توکل و اعتماد به خداوند تبارک و تعالی انسان مؤمن از عزیزترین اموال و دارایی‌های خود به سادگی هرچه تمام دست و دل می‌شوید و حضرت زهرا علیها السلام با این عمل، راه درست زیستن و اتکال به خداوند در همه امور را به مؤمنان آموخت.

۳. قناعت

در باب عبادت حضرت زهرا علیها السلام، به روزه‌داری و نذر ایشان اشاره شد و همان‌گونه که گذشت، بعد از این امر بود که سوره «دهر» بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد. اکثر مفسران بر این مطلب قایلند که سوره «دهر» یا بیشتر آیات آن به خاطر قناعت حضرت زهرا علیها السلام و برای نشان شخصیت ایشان نازل گردیده است. (ثعلبی،

[بی تا]، ج ۱۰، ص ۹۸-۱۰۱)

سیوطی نیز در این باره چنین می‌گوید: «به اتفاق تمام مفسران، این سوره که مشتمل بر ۳۱ آیه است، در مدینه هنگام کسالت حسنین نازل شد و درباره نذر فاطمه علیها السلام و امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای سلامتی آنها بود.» (سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۶،

ص ۲۸۵)

همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، حضرت زهرا علیها السلام در محراب عبادت بودند، در حالی که از شدت گرسنگی چشم‌های مبارکشان به گودی نشسته و شکمشان به پشت چسبیده بود. آیا این مطلب، چیزی جز نهایت قناعت و توکل ایشان به خداوند تبارک و تعالی را بیان می‌دارد؟

۴. زهد

شرایط حضرت زهرا علیها السلام را با دقت بررسی کنیم: دردانه خاتم پیامبران که مورد احترام تمامی مسلمانان و به گواه تمامی کتب تاریخی و مذهبی، سرآمد تمامی زنان جامعه اسلامی است؛ چه از نظر علمی و چه از نظر شأنیت و موقعیت خانوادگی و چه از حیث رفتار و اخلاق فردی و اجتماعی. بدیهی است که چنین دختری با این همه کمالات فردی و اخلاقی، خواستگاران زیادی داشته باشد و به دید ظاهری بهترین و برترین افراد عصر خواهان ازدواج با او باشند، ولی تفاوت حضرت زهرا علیها السلام با انسان‌های عادی و به عبارت دیگر، کمال زهد آن حضرت، اینجا مشخص می‌گردد.

بنا به نقل کتب تاریخی، افرادی همچون ابوبکر، عمر، عبدالرحمن بن عوف، و... از جمله خواستگاران ایشان بوده‌اند، ولی بانوی دو عالم بر خلاف تصورات عرفی و عادی، مانند مادر گرامی‌شان به جای نگرستن به ثروت و مکنت افراد، راه زهد و پارسایی را اختیار نموده و فردی را به همسری خود برگزیدند که از نظر مادی واقعاً دارایی قابل ذکری نداشت. این انتخاب حضرت نشان‌دهنده اوج زهد و کمال پارسایی ایشان است که چشم‌ها را خیره می‌گرداند و برای انسان‌های مادی و دنیادوست قابل هضم و درک نیست. ولی چون به درستی به این امر نگریسته شود به وضوح مشخص می‌گردد که ایشان شوهری انتخاب نمودند که او را به جای شیفته دنیا بودن، به خدا و جهان آخرت شیفته گرداند؛ همسری که پیوند عبودیت را قوی‌تر و ارتباط با خدا را نزدیک و نزدیک‌تر گرداند و این ویژگی در غیر از امام علی علیه السلام دیده نمی‌شد.

از جمله موارد زهد دخت پیامبر صلی الله علیه و آله، می‌توان به داستان معروف زیر اشاره

کرد:

اسماء بنت عمیس می‌گوید: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله درباره گردنبندی که حضرت زهرا علیها السلام داشتند به ایشان فرمودند: دخترم، آیا این حرف تو را شاد و مغرور می‌کند که مردم بگویند فاطمه علیها السلام بنت محمد صلی الله علیه و آله، در حالی که لباس ستمگران بر تن توست؟ فاطمه علیها السلام سریع آن گردنبند را که شوهرش از سهم خود برایش خریده بود بیرون آورد و فروخت و با قیمت آن برده مؤمنی را خرید و آزاد نمود. (طبری، ۱۳۵۶ ق، ص ۱۵۱ / سمهودی، ۱۳۲۶ ق، ج ۱، ص ۳۳۲. به جای داستان گردنبند، داستان فروش پرده نقل شده است)

محدثانی مانند ابن حجر عسقلانی (۱۸۵۳ م، ج ۵، ص ۲۹)، حاکم (۱۳۲۴ ق، ج ۳، ص ۱۵۳)، قندوزی (۱۳۸۵ ق، ج ۱، ص ۲۰۰) و باکثیر حصرمی ([بی تا]، ص ۹۲) همین حدیث را با سند دیگر و کمی تفاوت بیان نموده‌اند.

مطالب فوق نشان‌دهنده این واقعیت است که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هیچ رغبتی به دنیا نداشتند و تمامی تلاش‌شان در رسیدن به قرب الهی و کسب رضای حق تعالی مصروف می‌شد.

۵. عفت

عفت از مهم‌ترین ویژگی‌های یک زن مسلمان است که سبب تمایز او از دیگران می‌گردد؛ چراکه عفت و پاک‌دامنی روح یک زن را خدایی کرده و مرتبه ایمانی او را بالا می‌برد.

حضرت زهرا علیها السلام از نظر عفت و پاک‌دامنی به حدی می‌رسد که سیده زنان عالمیان می‌گردد (ابن اثیر، ۱۲۸۵ ق، ج ۵، ص ۵۲۲ / ابونعیم، ۱۳۵۱ ق، ج ۲، ص ۲۹) و به اعتراف دوست و دشمن، هیچ شخصی در این صفت به حد و

درجه ایشان نمی‌رسد، به نحوی که حتی عایشه نیز - که در بیان فضایل حضرت زهرا علیها السلام دست به عصا راه می‌رود و بیشتر به کتمان حقیقت می‌پردازد - در برابر این حقیقت مسلم سر تسلیم فرو آورده، می‌گوید: «او راست‌گوترین زنان بود و هیچ‌گاه دروغی از او شنیده نشد.» (ابونعیم، ۱۳۵۱ ق، ج ۲، ص ۴۱) به همین سبب است که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره ایشان می‌فرماید: «إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي»؛ به راستی که فاطمه علیها السلام پاره تن من است. (متقی هندی، ۱۳۱۲ ق، ج ۸، ص ۳۸۵)

در همین رابطه نقل شده است: هنگامی که برای حضرت ثابت شد فدک غصب گردیده، در حالی که لباس‌های بلندی تمام بدن ایشان را پوشانده بود، وارد مسجد شدند و در جایگاهی قرار گرفتند که پرده‌ای بین زنان و مردان حایل بود و مردان، حضرت را نمی‌دیدند. (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷ ق، ج ۶، ص ۱۱۲ و ۹۴۲ به نقل از: تحلیل سیره فاطمه الزهرا، ص ۴۵۱)

همچنین نقل شده است: «روزی حضرت زهرا علیها السلام در بستر بیماری به اُسماء بنت عمیس فرمود: من بسیار زشت می‌دانم که جنازه زن را پس از مرگ بر روی تابوت سر باز گذاشته و بر روی آن پارچه‌ای می‌افکنند که حجم بدن مشخص می‌گردد. مرا بر روی چنین تابوتی مگذار و بدن مرا بپوشان که خدا تو را از آتش جهنم باز دارد.» (اربلی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۷۶)

آری، به خاطر اخلاق والای دخت پیامبر صلی الله علیه و آله است که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: هم فاطمه علیها السلام و هم کسانی را که او را دوست دارند از آتش جهنم دور کردم و نجات دادم. (طبری، ۱۳۵۶ ق، ص ۲۶ / متقی هندی، ۱۳۱۲ ق، ج ۶، ص ۲۱۹)

۶. رضا و تسلیم

در این زمینه، طبری داستانی را نقل کرده که آن را بازگو می‌کنیم:

«روزی علی بن ابی طالب علیه السلام مختصری به عنوان قیلوله خوابید و چون بیدار شد فرمود: ای فاطمه، آیا غذایی پیش تو هست که مرا بدان سیر گردانی؟ فاطمه علیها السلام عرض کرد: نه، سوگند بدان خدایی که پدرم را به نبوت و تو را به وصیت گرامی داشته، امروز چیزی که بتوانم بدان تو را سیر کنم ندارم، بلکه دو روز است که غذایی جز همان که برای تو می‌آورم در خانه نبود و من تو را بر خود و دو فرزندم مقدم می‌داشتم و آن غذا را برای تو می‌آوردم.

علی علیه السلام فرمود: ای فاطمه، چرا به من خبر ندادی تا برای شما چیزی تهیه کنم؟

فاطمه علیها السلام عرض کرد: ای ابوالحسن، از خدای خود شرم داشتم که چیزی از تو طلب کنم و تو را تکلیف امری کنم که قدرت آن را نداری.» (طبری، ۱۳۵۶ ق، ص ۴۵ / زمخشری، ۱۴۲۴ ق، ج ۱، ص ۱۶۳)

کمال رضا و تسلیم که از صفات خاص مؤمنان حقیقی است، در این داستان به وضوح مشخص و نمایان است و نیاز به هیچ توضیحی ندارد.

ب. اخلاق و رفتار اجتماعی

حضرت زهرا علیها السلام در کنار سجایای اخلاقی و رفتار پسندیده اسلامی و انسانی، فردی بریده و جدا از جامعه و عصر خود نبودند، بلکه با اطرافیان و به خصوص با محارم خود تعاملی سازنده و انسانی و در چارچوب اصول و قواعد اسلامی داشتند. در این قسمت، به بیان برخی از این رفتارها می‌پردازیم.

۱. رفتار با پدر

برای شناخت اخلاق اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام با پدر خویش، همین بس که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ایشان را «أم ابیها» نامیدند. (ابن عبدالبر، ۱۳۳۶ ق، ج ۲، ص ۷۵۲ / ابن اثیر، ۱۲۸۵ ق، ج ۶، ص ۲۲۳) این تعبیر، بیان‌کننده حقیقت و واقعیتی است که از زبان رساننده وحی الهی به مردم بیان می‌شود. برای روشن شدن بهتر این موضوع، دقت در مطالب ذیل که برگرفته از کتب اهل سنت است ضروری به نظر می‌آید.

طبری می‌گوید: یکی از دختران پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام، همواره به استقبال آن حضرت می‌شتافت و در مشکلات پدر که از طرف قریش زمان جاهلیت به وجود می‌آمد گریه می‌کرد و با چشم‌گریان سر و صورت پدر را می‌شست. (طبری، ۱۳۵۸ ق، ج ۲، ص ۳۴۴)

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد الحرام مشغول نماز بودند. عده‌ای از مشرکان پس از مسخره کردن ایشان، در حالی که حضرت در سجده بودند شکمبه شتری را همراه با خون و کثافت بر پشت مبارکشان انداختند ... فاطمه علیها السلام سریع خودش را به پدر رسانید و شکمبه شتر را برداشت و به دور افکند. (یمانی، ۱۴۲۱ ق، ص ۸۷) ترمذی با سند خود از عایشه نقل می‌کند: وقتی پیامبر وارد منزل فاطمه علیها السلام می‌شدند، ایشان از جای خود بلند شده و دست پدر را می‌بوسیدند و پیامبر صلی الله علیه و آله را بر جای خود می‌نشاندند. (ترمذی، ۱۲۹۲ ق، ج ۲، ص ۳۱۹)

رفتار سرور بانوان جهان و برخورد ایشان با پدر باید به عنوان الگویی در برخوردهای اجتماعی - خانوادگی در جوامع اسلامی سرمشق قرار گیرد. نیز به همین خاطر است که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره دختر عزیزشان می‌فرماید: «الحمد لله الذی جعلک شبیهة بسیدة نساء بنی اسرائیل» (ثعلبی، [بی‌تا]، ص ۵۱۳)؛ سپاس خدایی را که تو را شبیه سرور زنان بنی اسرائیل (حضرت مریم) قرار داد.

۲. رفتار با شوهر

در مورد رفتار حضرت زهرا علیها السلام با امام علی علیه السلام همین بس که امام علیه السلام می فرمودند: وقتی وارد خانه می شدم با دیدن فاطمه علیها السلام تمام خستگی ها و ناراحتی هایم رفع می شد. (خوارزمی، ۱۴۱۱ ق، ص ۲۵۶)

آری، بانویی که رفع نیاز نیازمندان و یتیمان و در راه ماندگان برایش در این درجه اهمیت قرار داشته باشد که آنها را بر خود مقدم شمارد، مسلم و بدیهی است که بهترین و نمونه ترین رفتارها را با شوهر خود داشته باشد. خوارزمی می گوید: «فاطمه علیها السلام در خانه علی هرگز دروغ نگفت و خیانت نکرد و هیچ گاه از دستوراتش سرپیچی ننمود. علی علیه السلام می فرماید: به خدا سوگند هرگز کاری نکردم که فاطمه علیها السلام غضبناک شود و فاطمه علیها السلام هم مرا هیچ وقت خشمگین ننمود.» (همان)

در زمینه جهاد و مسائل مربوط به آن نیز حضرت زهرا علیها السلام همیشه یار و مددکار امام بودند و با کمک های روحی و عاطفی خود زمینه حضور بهتر امام علی علیه السلام در میادین جنگ را فراهم می نمودند. ابن هشام می گوید: «وقتی علی علیه السلام از جنگ برمی گشت، شمشیر خون آلود خود را به فاطمه علیها السلام می داد تا بشوید و حضرت فاطمه علیها السلام نیز آن را می شست.» (ابن هشام، ۱۳۵۵ ق، ج ۳، ص ۱۰۶)

۳. رفتار با فرزندان

کسی که از نظر اخلاق و رفتار به حدی رسیده که پیامبر صلی الله علیه و آله او را «أم أبیها» خطاب می نمایند، بدیهی است که بهترین و برترین نوع برخورد را با فرزندان خود دارد و به بهترین شیوه آنها را تربیت می نماید و چنین زنی شایسته و بایسته است که سرمشق و الگوی تمامی زنان قرار گیرد. نتیجه همین تعالیم است که باعث می گردد امام حسن و امام حسین علیهما السلام سرور جوانان اهل بهشت و دو رهبر

معصوم و حجت خدا بر خلق گردند. آری، پرورش چنین جوانانی ثمره کانون تربیتی فاطمی و علوی است.

در روایات آمده است: حضرت فاطمه علیها السلام به حدی فرزندانش را دوست می داشت که سعی می کرد لحظه ای آنها را از خود جدا نکند. حتی دیده می شد که ایشان با دست خود آسیا می کرد و فرزندش را شیر می داد. (نعلبی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱۰، ص ۲۲۵ / متقی هندی، ۱۳۱۲ ق، ج ۶، ص ۲۵۹)

احمد بن حنبل می گوید: «روزی رسول خدا و مسلمانان در مسجد به انتظار آمدن بلال نشسته بودند که بیاید و اذان بگوید. بر خلاف انتظار، آن روز بلال دیر آمد و چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله علت دیر آمدنش را پرسید، بلال در جواب گفت: من از در خانه عبور می کردم دیدم فاطمه علیها السلام مشغول دستاس آسیاست و فرزندش حسن علیه السلام را در حالی که گریه می کند در کنار دستاس گذارده. من برای کمک به سوی ایشان رفتم و گفتم: ای دختر رسول خدا، هر کدام که برای تو راحت تر است به عهده گیر و کار دیگر را به من واگذار. فاطمه علیها السلام گفت: من نسبت به نگهداری بچه ام مهربان تر و سزاوارترم، و از این رو، من دستاس را از او گرفته و مشغول آسیا کردن شدم و همین سبب دیر آمدن من شد.» (احمد بن حنبل، ۱۳۱۳ ق، ج ۳، ص ۱۵۰)

۴. رفتار با نیازمندان

یکی از ملاک های ایمان در آیات قرآن کریم و نیز روایات ائمه اطهار علیهم السلام، دستگیری از نیازمندان است. روایت ها و داستان های فراوانی در کتب روایی شیعه و سنی بیان گردیده که بیانگر این مطلب مهم است که هرگاه نیازمندان از همه درها ناامید و مأیوس می شدند رو به خانه فاطمه علیها السلام می آوردند و دست طلب به سوی او دراز می کردند.

احمد بن حجر در کتاب خود به سند معتبر از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است: «رسول الله صلی الله علیه و آله نماز عصر را به جا آورده بودند که پیرمردی عرب نزد ایشان آمد و از ایشان طلب رفع گرسنگی و برهنگی و گرگشایی از کار خود نمود. حضرت فرمودند: من فعلاً چیزی ندارم که چاره تو بکنم، ولی دلالت کننده بر خیر همانند فاعل خیر است. به منزل کسی برو که خدا و رسول، او را دوست دارند و او نیز خدا و رسول را دوست می‌دارد.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله از بلال خواستند او را به منزل فاطمه علیها السلام راهنمایی کند. پیرمرد در برابر منزل حضرت بعد از عرض سلام گفت: مردی از عرب هستم که به خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله رسیدم و از گرسنگی و برهنگی و بیچارگی خود شکایت کردم و مرا به سوی شما راهنمایی فرمود. اکنون بر من رحم کن، خدایت رحم کند.

در این موقع سه روز بود که خاندان علی مرتضی غذایی به دست نیاورده بودند و به همین خاطر، حضرت زهرا علیها السلام پوست دباغی شده‌ای را که امام حسن و امام حسین علیهما السلام بر آن می‌خوابیدند به اعرابی داد، ولی او گفت: من از گرسنگی به شما شکایت آورده‌ام، این پوست چگونه آتش گرسنگی مرا فرو می‌نشاند؟

فاطمه علیها السلام چون این سخن را شنید، گردنبندی را که دختر حمزه بن عبدالمطلب به او هدیه داده بود از گردن باز کرد و به او بخشید. اعرابی گردنبند را گرفت و نزد رسول الله صلی الله علیه و آله رفت و گفت: امید دارم با فروش این گردنبند گرهِ از کارم باز شود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چگونه چنین نشود، حال آنکه دختر رسول خدا این گردنبند را به تو داده است.

در این هنگام، عمار یاسر برخاست و برای خرید گردنبند، از رسول الله صلی الله علیه و آله اجازه گرفت و قیمت آن را از اعرابی پرسید و چنین جواب شنید: به سیر شدن از

نان و گوشت و یک برد یمانی که خود را به آن پوشانم و یک دینار که خرج راه خود را بدهم. عمار گفت: من به تو دویست درهم هجریه و بیست دینار طلا می‌دهم و بردی یمانی به تو می‌پوشانم و تو را با شتر خویش به خانواده‌ات می‌رسانم و از نان گندم و گوشت تو را سیر می‌کنم.

اعرابی نزد پیامبر ﷺ بازگشت و گفت: اکنون هم سیر شدم و هم غنی، و این‌گونه برای دخت پیامبر ﷺ دعا کرد: ای خدایی که جز تو را عبادت نمی‌کنم، به فاطمه علیها السلام چیزی عنایت فرما که هیچ چشمی آن را ندیده و هیچ گوشی آن را نشنیده باشد. پیامبر ﷺ نیز آمین گفتند و آنگاه فرمودند: خدای تعالی در دنیا به فاطمه علیها السلام آنچه را که اعرابی گفت عطا فرموده‌اند؛ چه من پدر اویم و مانند من در دنیا نباشد و علی علیه السلام شوهر اوست و اگر علی علیه السلام نبود برای فاطمه علیها السلام همتایی نبود و حسن و حسین علیهما السلام دو سبط و سید جوانان بهشت می‌باشند.

عمار یاسر آن گردنبند را با مشک خوشبو کرده و در برد یمانی پیچید و به غلامی به نام سهم داد و گفت: این گردنبند و تو را به دختر پیامبر ﷺ بخشیدم. سهم به نزد فاطمه علیها السلام آمد و گردنبند را به ایشان داد. فاطمه علیها السلام گردنبند را گرفت و سهم را آزاد نمود. در این لحظه سهم خندید و چون فاطمه علیها السلام علت را جویا شد عرض کرد: برکت این گردنبند مرا به خنده آورد؛ چون گرسنه‌ای را سیر کرد، فقیری را غنی کرد، پیاده‌ای را سوار نمود، بنده‌ای را آزاد نمود و در آخر به نزد صاحب خود بازگشت. (هیثمی، ۱۳۱۲ ق، ص ۱۰۹)

آری، حضرت زهرا علیها السلام حتی در بدترین شرایط نیز از رفع نیازها و خواسته‌های نیازمندان سر باز نمی‌زدند و به همین دلیل نیز در نزد خداوند محبوبیت و جایگاه ویژه‌ای داشتند که کمتر کسی را یارای رسیدن به آن است.

۵. رفتار با یتیمان

سعی حضرت زهرا علیها السلام همیشه بر این بود تا به نحوی نیاز و نیازمندان را برآورده نمایند که از فقر و نیاز بی‌نیاز گردند، ولی حساسیت ایشان در مورد یتیمان به حداکثر ممکن می‌رسید؛ چراکه آنان علاوه بر نیازهای مادی، به محبت نیز تشنه و محتاج می‌باشند.

همان‌گونه که در بحث قناعت نیز بیان گردید، سوره مبارکه «هل أتی» در همین زمینه نازل گشت؛ چراکه در روز دوم از روزه‌داری ایشان بود که یتیمی بر در خانه آمد و از حضرت درخواست غذا نمود «وگفت: من یتیمی از اولاد مهاجر هستم؛ مرا غذا دهید، خدا به شما از طعام بهشتی دهد. علی علیه السلام مثل شب گذشته اشعاری در مدح یتیم نوازی انشاء فرمود و نان خود را به او داد. فاطمه علیها السلام نیز به آن حضرت اقتدا نمود و حسنین علیهما السلام و فضه هم نان خود را به آن یتیم دادند و آن شب نیز جز آب چیزی نخوردند.» (ثعلبی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱۰، ص ۹۸-۱۰۱ / سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۶، ص ۴۸۵)

۶. رفتار با همسایگان

امام حسن علیه السلام می‌فرماید: مادرم زهرا علیها السلام را در شب جمعه دیدم که تا صبح مشغول عبادت پروردگار جهان بود و دائم در رکوع و سجود بود تا سپیده صبح نمایان گشت. شنیدم که مؤمنان را یک به یک نام می‌برد و دعا می‌کرد، اما برای خودش دعا نکرد. عرض کردم: مادر جان، چرا برای خودت دعا نمی‌کنی؟ جواب داد: «یا بُنَّیَّ الجار ثم الدار»؛ اول همسایه بعد خویشان. (اربلی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۴۴۳)

آری، به همین سبب است که چون پیامبر ﷺ زمانی برای حضرت زهرا ﷺ دعا نمود، بر ایشان وحی نازل شد: «بشارت باد تو را که خداوند دوستان زهرا ﷺ و دوستان ذریه‌اش را بخشید.» (هیثمی، ۱۴۱۴ ق، ج ۹، ص ۳۲۶ / ابن جوزی، ۱۳۶۹ ق، ص ۳۱۷)

به راستی چرا برخی از مسلمانان خود را از فیض عظیم دوستی اهل بیت ﷺ محروم نموده‌اند؟!

۷. رفتار با خدمه و بردگان

مانند سایر مواردی که بیان شد، در این مورد نیز رفتار و برخورد حضرت زهرا ﷺ با خدمه و بردگان، رفتاری انسانی و اسلامی بود که با موازین اربابان مادی و دنیاگرایان هیچ تناسب و هماهنگی نداشت. نیز به همین خاطر بود که وقتی غلامی را آزاد می‌کردند، از آزادی خود خوشحال نمی‌شد.

برای نمونه - همان‌گونه که پیش‌تر گذشت - وقتی عمار یاسر غلام خود «سهم» را به فاطمه ﷺ بخشید، حضرت فاطمه ﷺ فوری او را آزاد کرد.

بر همین منوال است ماجرای تقسیم کار حضرت زهرا ﷺ با کنیز خود فضه که یک روز بر عهده ایشان بود و روز دیگر بر عهده فضه و هر چه فضه اصرار می‌کرد کارهای منزل را به تنهایی انجام دهد، حضرت فاطمه نمی‌پذیرفت. (ر.ک: عسقلانی، ۱۸۵۳ م، ج ۴، ص ۳۷۶)

موفق بن احمد می‌گوید: وقتی فاطمه ﷺ مشاهده نمودند که پدرشان به فضه توصیه‌های لازم را می‌نمایند، عرض کردند: یا رسول‌الله! یک روز من و یک روز فضه. با این سخن حضرت زهرا ﷺ، اشک در چشمان مبارک پیامبر ﷺ حلقه زد. (خوارزمی، [بی‌تا]، ص ۶۹)

ج. فعالیت‌های اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام

۱. دوران پیش از هجرت

این مرحله که دربرگیرنده دوران طفولیت حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد، ایشان را در معرض سخت‌ترین مشکلات و فشارهای روحی قرار می‌دهد. حضرت زهرا علیها السلام هنوز در سنین کودکی و گذران سال‌های چهارم یا پنجم زندگی خود بودند* که وظیفه خطیر دفاع از پدر را به عهده گرفتند.

ایشان شاهد دشمنی‌ها و کارشکنی‌های دشمنان اسلام بودند. زندگی آن حضرت در خانه‌ای آغاز شد که کانون مبارزات مختلف سیاسی علیه کفر و شرک و نفاق بود. پدر و همسر ایشان در کوران تلخ جنگ‌ها و مبارزات اسلام علیه کفر، فرمانده، صف‌شکن و تعیین‌کننده سرنوشت اسلام بودند. حضرت فاطمه علیها السلام در این حوادث یار و یاور و همراه ایشان بودند و با تکیه به رهبری مسلمانان توسط پدر گران‌قدرشان، مشکلات را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشته و در سخت‌ترین شرایط و خوفناک‌ترین میدان‌ها که حتی انسان‌ها و مردان قوی جرئت ورود به آن را نداشتند حضور می‌یافتند و با دفاع از پدر بزرگوارشان، دشمنان ایشان را با تندی مخاطب قرار داده و مانند یک جوانمرد علیه آنان قیام می‌نمودند. (یمانی، ۱۴۲۱ ق، ص ۸۶)

بنا بر روایات موجود در کتاب‌های تاریخی، سران قریش در طول اقامت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه، هر روز برای ایشان مشکلی تازه ایجاد کرده و تمامی سعیشان بر تنگ نمودن عرصه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و یاران ایشان بود و کمتر روزی بود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از آنها اهانت و آزار و صدمه‌ای نبیند. با وجود

* در تاریخ ولادت حضرت زهرا علیها السلام بین علمای اهل سنت اختلاف وجود دارد.

این، تا سال‌های دهم و یازدهم بعثت که مصادف با سال‌های پنجم و ششم حیات حضرت زهرا علیها السلام بود، دو چهره بزرگ و گران‌قدر اسلام، یعنی حضرت خدیجه و حضرت ابوطالب، به دفاع همه‌جانبه از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پرداختند. ولی دست تقدیر الهی به فاصله کمی این دو مدافع پیامبر صلی الله علیه و آله را به سوی حق تعالی عروج داد. در این هنگام، فاطمه علیها السلام پنج ساله بود و مسئولیت خطیر محافظت و مراقبت از پدر که بر عهده مادر بود به ایشان محول گشت و کوهی از اندوه و غم‌های بی‌پایان را بر قلب کوچک ایشان گسیل داشت.

بخاری در صحیح خود به نقل از عبدالله بن مسعود می‌گوید: «روزی در حالی که پیغمبر صلی الله علیه و آله در سجده بود و عده‌ای از قریش اطراف ایشان را احاطه کرده بودند، عقبه بن معیط شکمبه گوسفندی را آورده و بر پشت آن حضرت انداخت. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز سر خود را برداشت تا آنکه فاطمه علیها السلام آمد و آن را برداشت و درباره کسانی که این کار را انجام داده بودند نفرین کرد.» (بخاری، ۱۴۲۲ ق، ص ۱۳۲۹)

نیز نقل شده است: پیامبر صلی الله علیه و آله در حال عبور از مسیری بودند که یکی از دشمنان اسلام مانع ایشان شد و مقداری خاک بر سر حضرت ریخت و پیامبر صلی الله علیه و آله با همین وضع به منزل رفتند. «در این هنگام، یکی از دختران (حضرت زهرا علیها السلام) برخاست و در حالی که می‌گریست خاک‌ها را پاک کرد. رسول خدا او را دلداری داده و فرمودند: دخترم گریه مکن که خدا پدرت را محافظت و نگهداری خواهد کرد.» (ابن هشام، ۱۳۵۵ ق، ج ۱، ص ۳۸۷ / طبری، ۱۳۵۸ ق، ج ۲، ص ۳۴۴)

۲. دوران پس از هجرت

۲-۱. دوران حیات پیامبر: حضرت زهرا علیها السلام پس از ورود به مدینه تا زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زنده بودند، یعنی به مدت ده سال، به پشتیبانی و دفاع از ایشان و همسر گرامی خود در راه اعتلای اسلام و تقویت آن می‌پرداختند و در این راه یار و یاور و دوست و غمخوار آنها بوده و از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند و تا آنجا که می‌توانستند در رفع اندوه ایشان می‌کوشیدند و آسایش خاطر آنها را فراهم می‌نمودند و به استقامت و پایداری در برابر دشمنان اسلام دلگرم و امیدوار ساختند. کنیه «أم آبیها» که از طرف پیغمبر صلی الله علیه و آله به حضرت زهرا علیها السلام اطلاق می‌شد به وضوح مؤید این مطلب است.

۲-۱-۱. جنگ احد: در پی بی‌نظمی و نافرمانی برخی از مسلمانان در این جنگ، کفه ترازو به نفع مشرکان سنگین گردید و جنگ چهره زشت خود را به مسلمانان نمایاند. مسلم در صحیح خود به نقل از ابی جازم درباره مجروح شدن پیغمبر صلی الله علیه و آله در جنگ احد می‌نویسد: در احد صورت پیامبر صلی الله علیه و آله زخمی گردید و دندان‌های مبارک حضرت از قسمت جلو شکسته و از ناحیه سر نیز مجروح شد. با شنیدن این خبر، فاطمه علیها السلام سریع خودش را به پیغمبر صلی الله علیه و آله رسانید و با شهادت خاصی مشغول شستن خون از صورت زیبای پدر شد. علی بن ابیطالب نیز کوشید با خاک از خون‌ریزی جلوگیری نماید، اما فاطمه علیها السلام چون دید خون نمی‌ایستد، قطعه حصیری را سوزاند و با خاکسترش جلوی آن را گرفت. (مسلم نیشابوری، ۱۴۱۹ ق، ص ۹۸۹)

۲-۱-۲. جنگ خندق: در جنگ خندق که به نام «احزاب» نیز معروف است، مشرکان قریش می‌خواستند با گردآوری تمامی امکانات قبایل مختلف عرب به مدینه حمله نمایند و به زعم خود کار پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام را یکسره کرده، برای

همیشه خیال خود را از این بابت راحت سازند. از این رو، با لشکری بیش از ده هزار نفر به سمت مدینه حرکت کردند و به مدت یک ماه مدینه را به محاصره درآورده و مسلمانان را در قحطی و کمبود مواد غذایی قرار دادند.

طبری به نقل از امام علی علیه السلام می‌نویسد: ما با پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول کندن خندق بودیم که دیدم فاطمه علیها السلام آمدند و مختصر نانی به پیامبر صلی الله علیه و آله دادند. رسول خدا فرمودند: فاطمه، این چیست؟ عرض کرد: این نانی است که برای پسران عزیزم پخته‌ام و مقداری از آن را برای شما آورده‌ام. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دختر عزیزم، آیا می‌دانی این اولین لقمه‌ای است که بعد از گذشت سه روز در دهان پدرت می‌رود؟ (طبری، ۱۳۵۶ ق، ص ۴۷ / ابونعیم، ۱۳۵۱ ق، ج ۲، ص ۳۰)

ابونعیم با سندش از ابوتعلبه خثنی می‌نویسد: پیامبر صلی الله علیه و آله از غزوه‌ای برگشتند ... و پیش از اینکه به خانه‌های زنان خود وارد شوند به نزد فاطمه علیها السلام رفتند. ایشان چشم و صورت پدر را بوسیده و گریستند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دخترم چه چیز تو را به گریه انداخت؟ حضرت زهرا علیها السلام پاسخ دادند: تغییر رنگ صورت‌تان. پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمودند: دخترم، خدا پدرت را به امری مبعوث کرده که خانه‌ای در روی زمین باقی نمی‌ماند، مگر اینکه عزت یا ذلت در آن راه پیدا می‌کند، همان طوری که شب می‌رسد. (ابونعیم، ۱۳۵۱ ق، ج ۲، ص ۳۰ / متقی هندی، ۱۳۱۲ ق، ج ۱، ص ۷۷)

آری، حضرت زهرا علیها السلام این‌گونه در طول حیات پدر گرامی‌شان در فعالیت‌های اجتماعی شرکتی فعال و پررنگ داشتند. ایشان نه تنها خود را از محیط جامعه اسلامی جدا نمی‌نمودند، بلکه در حد امکان بدون اینکه از چارچوب دستورات شرعی و اسلامی ذره‌ای پافراتر نهند در این امور شرکت می‌نمودند و برای پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز همسر گرامی خود یار و غمخوار و سنگ صبور، و برای زنان

مسلمان الگویی کامل و پیشوایی بی‌همتا - که پیروی از او سبب رستگاری است - محسوب می‌شدند.

۲-۲. پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله: همان‌گونه که بیان شد، حضرت زهرا علیها السلام در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله یار و غمخوار ایشان بودند و از هیچ تلاشی برای اعتلای جامعه اسلامی فروگذار نمی‌کردند، ولی بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله اوضاع جامعه اسلامی به سرعت دگرگون گردید و هنوز پیکر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله به دست امام علی علیه السلام دفن نشده بود که اولین و بزرگ‌ترین بدعت در جامعه اسلامی رخ نمود و چنان زخم عمیقی بر پیکره این جامعه نوپا - که با خون دل پیامبر صلی الله علیه و آله آبیاری شده و بارور گشته بود - وارد آورد که هنوز نیز آثار آن به قوت خود - و شاید به مراتب شدیدتر از گذشته - پابرجاست و التیامی در آن راه نیافته است.

این واقعه دردناک، خارج شدن اداره جامعه اسلامی از دست اهل و سپردن آن به ناهلان بود که اولین و بدترین بدعت را بر جامعه اسلامی تحمیل کرد، اما امام علی علیه السلام بنا به سفارش پیغمبر و برای جلوگیری از ایجاد تفرقه بیشتر در جامعه تازه متولد شده اسلامی، راه سکوت و تقیه را در پیش گرفتند. ایشان در خطبه «ششقیه» بعد از بیان این امور زشت در جامعه اسلامی چنین می‌فرمایند: «فرأیت الصبر علی هاتا احجی»؛ دیدم که صبر بر این امور خردمندانه‌تر است.

ولی از سوی دیگر، لازم بود امام با مبارزه منفی علیه دستگاه حکومت، باطل بودن و ناحق بودن آن را به مسلمانان غافل بنمایاند و به دیگران نیز دائم گوشزد نماید. مهم‌ترین یار و یاور و همراه امام در این راه، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بودند که از هیچ تلاشی فروگذار نکردند و محسن به دنیا نیامده خود را بر معراج شهادت دیدند و عاقبت خود نیز به دست دژخیمان شهد شیرین شهادت نوشیدند و جان مبارک خویش را فدای این راه مقدس نمودند.

مبارزات حضرت زهرا علیها السلام

الف. دعوت مردم برای حمایت از خلیفه برحق

ابن قتیبه در این زمینه چنین می‌گوید: علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام دست حسن و حسین علیهم السلام را گرفتند و شبانه به خانه مردم و بزرگان و رجال مدینه رفتند و آنان را به یاری دعوت کردند و سفارش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و وصیت‌های ایشان را به آنها تذکر دادند. (ابن قتیبه، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۲)

وی همچنین می‌نویسد: علی بن ابیطالب علیه السلام شب‌ها که می‌شد فاطمه علیها السلام را بر مرکبی سوار می‌کرد و به مجالس انصار مدینه می‌برد و فاطمه علیها السلام آنها را به یاری شوهر خود می‌خواند و کمک‌خواهی می‌نمود، ولی انصار در پاسخ فاطمه علیها السلام می‌گفتند: ای دختر رسول خدا، بیعت ما با این مرد (ابوبکر) پایان یافته و اگر شوهر و پسر عم تو پیش از ابوبکر به نزد ما آمده بود، کسی را بر او ترجیح نمی‌دادیم و با او بیعت می‌کردیم.

علی بن ابیطالب علیه السلام که این گفتار را می‌شنید به آنها می‌فرمود: آیا سزاوار بود که من پیکر پاک پیامبر صلی الله علیه و آله را در خانه‌اش روی زمین گذارده و دفن نمی‌کردم و برای منازعه بر سر خلافت بیرون می‌آمدم؟ سخن که به اینجا می‌رسید فاطمه علیها السلام می‌گفت: ابوالحسن کاری را که شایسته بود انجام داد و آنها نیز کاری کردند که مورد بازخواست خدای تعالی قرار خواهند گرفت. (همان)

ب. مبارزه خاموش علیه کارگزاران سقیفه

حضرت علی علیه السلام با وجود اینکه به سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر فتنه‌انگیزی دنیادوستان و قدرت‌طلبانی که با فریب مردم زمام حکومت اسلامی را به ناحق به دست گرفته بودند سکوت کرده بودند، ولی به نوعی مبارزه پنهان و منفی در برابر

این جریان ناحق دست زدند که در عدم بیعت با خلیفه وقت متبلور می‌گردد و در این راه نیز مانند همیشه دخت عزیز پیامبر صلی الله علیه و آله و همسر گرامی‌شان، حضرت زهرا علیها السلام یار و یاور و همراه ایشان بودند و تمامی تلاش خود را در راه حمایت از شوهر خود مصروف می‌نمودند.

بنا بر اذعان علمای اهل سنت، حضرت علی علیه السلام تصمیم گرفت با ابوبکر بیعت نکند تا به این وسیله مخالفت خود را با روش حکومت انتخابی وی اظهار دارد و عملاً به جهانیان بفهماند در صورتی که علی علیه السلام و خانواده و نزدیکان شخص اول اسلام از خلافت ابوبکر ناراضی باشند معلوم می‌شود اصل این خلافت بر خلاف مذاق اسلام است.

حضرت زهرا علیها السلام نیز نظریه امام علی علیه السلام را تأیید نمود و تصمیم گرفت در حوادث و خطرهای احتمالی از شوهرش به طور جدی دفاع کند و عملاً به جهانیان بفهماند: من به عنوان دختر پیامبر صلی الله علیه و آله با خلافت خلیفه فعلی موافق نیستم. (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷ ق، ج ۲، ص ۵۶؛ ج ۶، ص ۴۷ / بلاذری، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۵۶۸ / اندلسی، ۱۳۴۶ ق، ج ۵، ص ۱۲) در همین زمینه، حضرت زهرا علیها السلام خطبه‌ای درباره غاصبان خلافت بیان کردند که در ذیل، به بخش‌هایی از آن اشاره می‌شود:

روایت شده بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و غصب شدن ولایت وصی آن حضرت، عمر شمشیر به کمر بسته و دور شهر مدینه می‌چرخید و می‌گفت: با ابوبکر بیعت شده است، بشتابید به بیعت کردن با او. مردم از هر طرف برای بیعت می‌آمدند. چند روز که گذشت همراه با گروه کثیری به در خانه حضرت علی علیه السلام آمد و خواستار خروج ایشان از منزل شد، ولی حضرت امتناع کرد. عمر خواستار هیزم و آتش گردید و گفت: سوگند به کسی که جان عمر در اختیار اوست، یا خارج می‌شود یا او را با تمامی اهل خانه آتش می‌زنم ... حضرت فاطمه علیها السلام به سوی

ایشان آمده، کنار درب خانه ایستاد و فرمود: ملتی را همانند شما نمی‌شناسم که این‌گونه عهدشکن و بد برخورد باشند. جنازه رسول خدا را در دست ما رها کردید و عهد و پیمان‌های میان خود را بریده و فراموش نمودید، و ما را به فرمان‌روایی نرسانده و حقی را برای ما قایل نیستید. گویا از حادثه روز غدیر خم آگاهی ندارید. سوگند به خدا که پیامبر در آن روز ولایت حضرت علی علیه السلام را مطرح کرد و از مردم بیعت گرفت تا امید شما فرصت‌طلبان را قطع نماید، ولی شما رشته‌های پیوند معنوی میان خود و پیامبر را پاره کردید. این را بدانید که خداوند در دنیا و آخرت بین ما و شما داوری خواهد کرد. (<http://www.yazahra.net> و نیز ر.ک: طبری، ۱۳۵۸ ق، ج ۲، ص ۶۱۹)

ج. دفاع از حقوق مادی خانواده «فدک»

فدک زمینی بود به فاصله دو یا سه روز راه از مدینه (نود کیلومتری مدینه) که محصول خرماي زیادی داشت و درآمد سالیانه آن بنا به قولی بیست و چهار هزار دینار و بنا به قولی دیگر هفتاد هزار دینار بود.

سیوطی در ذیل آیه بیست و ششم سوره «اسراء» می‌نویسد: «و ابویعلی و ابن ابی‌حاتم و ابن مردویه از ابی‌سعید خدری نقل کرده‌اند که چون آیه شریفه «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» (اسراء: ۲۶) نازل گردید، رسول خدا صلی الله علیه و آله را نزد خود فراخوانده و فدک را به او بخشیدند.» (سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۴، ص ۳۲ / و نیز ر.ک: هیثمی، ۱۴۱۴ ق، ج ۷، ص ۴۹ / ذهبی، ۱۳۲۵ ق، ج ۲، ص ۲۲۸ / متقی هندی، ۱۳۱۲ ق، ج ۲، ص ۱۵۸)

اما بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله، عمر با اصرار فروان از ابوبکر درخواست کرد که فدک را از حضرت زهرا علیها السلام بستاند و «ابوبکر نیز نخستین کسی بود که فدک را از

فاطمه علیها السلام ستاند و عمال و کارگران حضرت را از آنجا بیرون کرد.» (میرزا آقا، ۱۳۴۸ ش، ص ۴۷)

در همین زمان بود که حضرت زهرا علیها السلام خطبه معروف فدکیه خود را ایراد نمودند که علاوه بر نشان دادن سطح اعلاى فصاحت و بلاغت حضرت، نمایانگر فعالیت‌های اجتماعی و دفاع ایشان از حقانیت حضرت علی علیه السلام در اداره جامعه اسلامی و غصب آن به وسیله دیگران است. در اینجا با استناد به این خطبه غراء، به بیان موضع‌گیری‌های حضرت زهرا علیها السلام در برابر موارد ذکر شده می‌پردازیم: (متن خطبه برگرفته از: ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷ ق، ج ۱۶، ص ۲۱۱ و بعد / ابن طیفور، ۱۳۶۱ ق، ص ۱۴ و بعد)

روایت شده هنگامی که ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند فدک را از حضرت فاطمه علیها السلام بگیرند و این خبر به ایشان رسید، لباس به تن کرده و چادر بر سر نهاد، و با گروهی از زنان فامیل و خدمتکاران خود به سوی مسجد روانه شد. در حالی که چادرش به زمین کشیده می‌شد و راه رفتن او همانند راه رفتن پیامبر خدا بود، بر ابوبکر که در میان عده‌ای از مهاجرین و انصار و غیر آنان نشسته بود وارد شد. در این هنگام بین او و دیگران پرده‌ای آویختند، آنگاه ناله‌ای جانسوز از دل برآورد که همه مردم به گریه افتادند و مجلس و مسجد به سختی به جنبش درآمد.

سپس لحظه‌ای سکوت کرد تا همه مردم خاموش و گریه آنان ساکت شد و جوش و خروش ایشان آرام یافت. آنگاه کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود و درود بر رسول خدا فرستاد. در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست. وقتی سکوت برقرار شد، کلام خویش را دنبال کرد.

۱. **محکومیت صریح غصب خلافت:** حضرت فاطمه علیها السلام در آغاز خطبه چنین فرمودند:

حمد و سپاس خدای را بر آنچه ارزانی داشت، و شکر او را در آنچه الهام فرمود و ثنا و شکر بر او بر آنچه پیش فرستاد؛ از نعمت‌های فراوانی که خلق فرمود و عطایای گسترده‌ای که اعطا کرد، و منت‌های بی‌شماری که ارزانی داشت که شمارشگران از شمردن آنها عاجز و نهایت آن از پاداش فراتر و دامنه آن تا ابد از ادراک دورتر است و مردمان را فراخواند تا با شکرگزاری آنها نعمت‌ها را زیاده گرداند، و با گستردگی آنها مردم را به سپاسگزاری خود متوجه ساخت، و با دعوت نمودن به این نعمت‌ها آنها را دو چندان کرد.

و گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست و شریکی ندارد، که این امر بزرگی است که اخلاص را تأویل آن و قلوب را متضمن وصل آن ساخت، و در پیشگاه تفکر و اندیشه شناخت آن را آسان نمود؛ خداوندی که چشم‌ها از دیدنش باز مانده، و زبان‌ها از وصفش ناتوان، و اوهام و خیالات از درک او عاجز می‌باشند ...

ای مردم! بدانید که من فاطمه علیها السلام و پدرم محمد صلی الله علیه و آله است. آنچه ابتدا گویم، در پایان نیز می‌گویم. گفتارم غلط نبوده و ظلمی در آن نیست. پیامبری از میان شما برانگیخته شد که رنج‌های شما بر او گران آمده و دلسوز بر شماست، و بر مؤمنان مهربان و عطوف است. پس اگر او را بشناسید می‌دانید که او در میان زنان پسر من بوده، و در میان مردان برادر پسر عموی من است. چه نیکو بزرگواری است آنکه من این نسبت را به او دارم.

و آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیا و آرامگاه اصفیا را

برگزید، علایم نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست‌رتبه‌گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه‌هایتان پیامد، و شیطان سر خویش را از مخفیگاه خود بیرون آورد، و شما را فراخواند، مشاهده کرد پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده‌اید. آنگاه از شما خواست که قیام کنید، و مشاهده کرد که به آسانی این کار را انجام می‌دهید. شما را به غضب واداشت، و دید غضبناک هستید، پس بر شتران دیگران نشان زدید، و بر آبی که سهم شما نبود وارد شدید.

این در حالی بود که زمانی نگذشته بود، و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود، و جراحات التیام نیافته، و پیامبر به قبر سپرده نشده بود، بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید. آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته‌اید، و به راستی جهنم کافران را احاطه نموده است.

این کار از شما بعید بود، و چطور این کار را کردید؟ به کجا روی می‌آوردید، در حالی که کتاب خدا رویاروی شماست، امورش روشن، و احکامش درخشان، و علایم هدایتش ظاهر، و محرمانش هویدا، و اوامرش واضح است، ولی آن را پشت سر انداختید. آیا بی‌رغبتی به آن را خواهانید یا به غیر قرآن حکم می‌کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی است، و «هر کس غیر از اسلام دینی را جویا باشد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.»

(آل عمران: ۸۵)

آنگاه آن‌قدر درنگ نکردید که این دل‌رمیده آرام گیرد، و

کشیدن آن سهل گردد. پس آتش‌گیره‌ها را افروخته‌تر کرده، و به آتش دامن زدید تا آن را شعله‌ور سازید. برای اجابت ندای شیطان، و برای خاموش کردن انوار دین روشن خدا، و از بین بردن سنن پیامبر برگزیده آماده بودید. کار را دگرگونه جلوه می‌دهید و با اهل بیت با خدعه و نیرنگ رفتار می‌کنید. کارهای شما همانند زخم‌کارد و جراحی نیزه‌ای است که اندرون شکم واقع شود.

۲. استدلال در مورد فدک: حضرت در ادامه خطبه، به مسئله فدک اشاره کردند و

فرمودند:

و شما اکنون گمان می‌برید که برای ما ارثی نیست. آیا خواهان حکم جاهلیت هستید، و برای اهل یقین چه حکمی بالاتر از حکم خداوند است، آیا نمی‌دانید؟ در حالی که برای شما همانند آفتاب درخشان روشن است، که من دختر او هستم.

ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدرم را از من بگیرند؟ ای پسر ابی‌قحافه، آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و من از ارث پدرم محروم باشم؟ امر تازه و زشتی آوردی! آیا آگاهانه کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر می‌اندازید؟ آیا قرآن نمی‌گویید «سلیمان از داود ارث برد» (نمل: ۱۶)، و در مورد خبر زکریا آنگاه که گفت: «پروردگارا، مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و خاندان یعقوب ارث برد» (مریم: ۶)، و فرمود: «و خویشاوندان رحمی به یکدیگر سزاوارتر از دیگرانند» (احزاب: ۶)، و فرموده: «خدای تعالی به شما درباره فرزندان سفارش می‌کند که بهره پسر دو برابر دختر است» (نساء: ۱۱)، و می‌فرماید: «هنگامی که مرگ یکی از شما فرا

رسد بر شما نوشته شده که برای پدران و مادران و نزدیکان وصیت کنید، و این حکم حقی است برای پرهیزگاران.» (بقره: ۱۸۰)

و شما گمان می‌برید که مرا بهره‌ای نبوده و سهمی از ارث پدرم ندارم. آیا خداوند آیه‌ای به شما نازل کرده که پدرم را از آن خارج ساخته؟ یا می‌گویید: اهل دو دین از یکدیگر ارث نمی‌برند؟ آیا من و پدرم را از اهل یک دین نمی‌دانید؟ و یا شما به عام و خاص قرآن از پدر و پسر عموم آگاه‌ترید؟ اینک این تو و این شتر؛ شتری مهارزده و رحل نهاده شده، برگیر و ببر، با تو در روز رستاخیز ملاقات خواهد کرد.

چه نیک داوری است خداوند، و نیکو دادخواهی است پیامبر، و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت، و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان می‌برند، و پشیمانی به شما سودی نمی‌رساند، و برای هر خبری قرارگاهی است. پس خواهید دانست که عذاب خوارکننده بر سر چه کسی فرود خواهد آمد، و عذاب جاودانه که را شامل می‌شود.

۳. اشاره‌ای کوتاه به غفلت انصار: آنگاه رو به سوی انصار کرده، و فرمود:

ای گروه نقباء، و ای بازوان ملت، ای حافظان اسلام! این ضعف و غفلت در مورد حق من و این سهل‌انگاری از دادخواهی من چرا؟ آیا پدرم پیامبر نمی‌فرمود: «حرمت هر کس در فرزندان او حفظ می‌شود»؟ چه به سرعت مرتکب این اعمال شدید، و چه با عجله این بز لاغر، آب از دهان و دماغ او فروریخت، در صورتی که شما را طاقت و توان بر آنچه در راه آن می‌کوشیم هست، و نیرو برای حمایت من در این مطالبه و قصدم می‌باشد.

آیا می‌گویید محمد ﷺ بدرود حیات گفت؛ این مصیبتی است بزرگ و در نهایت وسعت، شکاف آن بسیار، و درز دوخته آن شکافته، و زمین در غیاب او سراسر تاریک گردید، و ستارگان بی‌فروغ، و آرزوها به ناامیدی گرایید، کوه‌ها از جای فرو ریخت، حرمت‌ها پایمال شد، و احترامی برای کسی پس از وفات او باقی نماند.

به خدا سوگند که این مصیبت بزرگ‌تر و بلیه عظیم‌تر است، که همچون آن مصیبتی نبوده و بلای جانگدازی در این دنیا به پایه آن نمی‌رسد، کتاب خدا آن را آشکار کرده است؛ کتاب خدایی که در خانه‌هایتان، و در مجالس شبانه و روزانه‌تان، آرام و بلند، و با تلاوت و خوانندگی آن را می‌خوانید. این بلایی است که پیش از این به انبیا و فرستاده‌شدگان وارد شده است؛ حکمی است حتمی، و قضائی است قطعی. خداوند می‌فرماید: «محمد ﷺ پیامبری است که پیش از وی پیامبران دیگری درگذشتند؛ پس اگر او بمیرد و یا کشته گردد به عقب برمی‌گردید، و آن کس که به عقب برگردد، به خدا زیانی نمی‌رساند، و خدا شکرکنندگان را پاداش خواهد داد.» (آل عمران: ۱۴۴)

ای پسران قبیله - گروه انصار - آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم در حالی که مرا می‌بینید و سخن مرا می‌شنوید، و دارای انجمن و اجتماعید؟ صدای دعوت مرا همگان شنیده و از حالم آگاهی دارید، و دارای نفرت و ذخیره‌اید، و دارای ابزار و قوه‌اید. نزد شما اسلحه و زره و سپر هست، صدای دعوت من به شما

می‌رسد ولی جواب نمی‌دهید، و ناله فریادخواهی‌ام را شنیده ولی به فریادم نمی‌رسید، در حالی که به شجاعت معروف و به خیر و صلاح موصوف می‌باشید؛ و شما برگزیدگانی بودید که انتخاب شده، و منتخباتی که برای ما اهل بیت برگزیده شدید! با عرب پیکار کرده و متحمل رنج و شدت‌ها شدید، و با امت‌ها رزم نموده و با پهلوانان به نبرد برخاستید، همیشه فرمانده بوده و شما فرمانبردار، تا آسیای اسلام به گردش افتاد، و پستان روزگار به شیر آمد، و نعره‌های شرک‌آمیز خاموش شده، و دیگ طمع و تهمت از جوش افتاد، و آتش کفر خاموش و دعوت ندای هرج و مرج آرام گرفت، و نظام دین کاملاً ردیف شد. پس چرا بعد از اقرارتان به ایمان حیران شده، و پس از آشکاری خود را مخفی گردانید، و بعد از پیشقدمی عقب نشستید، و بعد ایمان شرک آوردید؟

وای بر گروهی که بعد از پیمان بستن آن را شکستند، ... با آنکه آنان جنگ را آغاز نمودند. آیا از آنان هراس دارد در حالی که خدا سزاوار است که از او بهراسید، اگر مؤمنید.

آگاه باشید! می‌بینم که به تن‌آسایی جاودانه دل داده، و کسی را که سزاوار زمام‌داری بود دور ساخته‌اید. با راحت‌طلبی خلوت کرده، و از تنگنای زندگی به فراخنای آن رسیده‌اید. در اثر آن، آنچه را حفظ کرده بودید از دهان بیرون ریختید، و آنچه را فروبرده بودید بازگردانید. پس بدانید اگر شما و هر که در زمین است کافر شوید، خدای بزرگ از همگان بی‌نیاز و ستوده است. آگاه باشید! آنچه گفتم با شناخت کاملم بود؛ به سستی پدید آمده در اخلاق شما، و بی‌وفایی

و نیرنگ ایجاد شده در قلوب شما؛ و لیکن اینها جوشش دل اندوهگین، و بیرون ریختن خشم و غضب است و آنچه قابل تحمل نیست، و جوشش سینه‌ام و بیان دلیل و برهان، پس خلافت را بگیرید، ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم است، و پای آن سوراخ و تاول‌دار، عار و ننگش باقی و نشان از غضب خدا و ننگ ابدی دارد، و به آتش شعله‌ور خدا که بر قلب‌ها احاطه می‌یابد متصل است. آنچه می‌کنید در برابر چشم بینای خداوند قرار داشته، و آنان که ستم کردند، به زودی می‌دانند که به کدام بازگشتگاهی باز خواهند گشت، و من دختر کسی هستم که شما را از عذاب دردناک الهی که در پیش دارید خبر داد. پس هرچه خواهید بکنید و ما هم کار خود را می‌کنیم، و شما منتظر بمانید و ما هم در انتظار به سر می‌بریم.

بعد از این سخنان کوبنده و غراء، مسلم است که دل سنگدل‌ترین انسان‌ها نیز به لرزه افتاده و نرم می‌گردد، ولی معلوم نیست عشق به قدرت و دنیاطلبی چه بر سر آنها آورده بود که سخنان بحق دختر پیامبر ﷺ در آنها تأثیر گذاشت. به اعترافی زیبا در این مورد توجه نمایید:

ابن ابی الحدید می‌نویسد: من به علی بن فاروقی استاد مدرسه غریبه بغداد گفتم: آیا فاطمه ع در ادعای خویش صادق بود یا نه؟ گفت: آری. گفتم: با اینکه ابوبکر او را صادق می‌دانست، پس چرا فدک را به او بازنگرداند؟ استاد لبخندی زد و پاسخ خوبی گفت: «اگر در آن روز فدک را به فاطمه ع می‌داد، فردا فاطمه ع بر می‌گشت و خلافت را برای شوهرش مطالبه می‌کرد و ابوبکر را از مقام خلافت عزل می‌کرد و چون قبلاً راستگو شناخته شده بود، ممکن نبود عذری برایش آورده شود.» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷ ق، ج ۱۶، ص ۲۸۴)

آری این است شیرزن اسلام و سیده زنان اهل بهشت؛ آنگاه که هدف دفاع از اسلام ناب محمدی و بازگرداندن حق اهل بیت در راهبری و پیشوایی جامعه اسلامی باشد از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند و به جمع منافقان و مشرکان و غاصبان می‌تازد و سبب رسوایی ابدی آنان را فراهم می‌سازد.

در پایان گفتنی است در منابع اهل سنت متأسفانه روایت‌های ناصحیح و بعضاً مغرضانه‌ای نیز در مورد حضرت زهرا علیها السلام آمده که بررسی آنها از حوصله و چارچوب این بحث خارج است.

نتیجه

این مقاله کوشید ارزش‌های بی‌بدیل فردی و رفتار اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام را با استناد به منابع اهل سنت بررسی و مشخص نماید تا علاوه بر شناخت بیش از پیش از حضرت زهرا علیها السلام، چرایی غصب فدک و محروم شدن اهل بیت از حق خود در هدایت جامعه اسلامی و پیشبرد آن به سمت مقاصد الهی و آسمانی برای هر روشندل مسلمانی مطرح گردد. اما درباره حضرت زهرا علیها السلام، آن‌گونه که بیان شد، ایشان نمونه کاملی از یک زن مسلمان و الگویی کامل برای هر زن مسلمان در هر عصر و دورانی به شمار می‌روند. ارزش‌های اخلاقی فردی حضرت زهرا علیها السلام همچون عفت و پاک‌دامنی، توکل، قناعت، زهد، حیا و سایر صفات اخلاقی و انسانی در حضرت در نهایت کمال بود. در زمینه اخلاق اجتماعی نیز وضع بر همین منوال است.

اما در زمینه فعالیت‌های اجتماعی نیز حضرت زهرا علیها السلام بهترین الگو برای هر زن مسلمانی به شمار می‌روند. دفاع ایشان از پیامبر صلی الله علیه و آله در طول زمان حیات پربرکتشان و مواجهه با مشرکان و دشمنان اسلام و دفاع از شوهر و مقابله با

غاصبان خلافت بعد از وفات پدر و رویارویی با غاصبان فدک و تلاش برای رسوایی آنها، از جمله فعالیت‌های اجتماعی ایشان به شمار می‌رود. نکته قابل توجه اینجاست که حضرت زهرا علیها السلام در انجام این امور نه تنها ذره‌ای از شرع و قوانین اسلامی عدول نکرد، بلکه انجام این فعالیت‌ها همگی در راه ثبات و پایداری اسلام در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و رفع کژی‌ها و انحرافات موجود در جامعه بعد از وفات رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله انجام می‌گرفت. بنابراین، حضرت زهرا علیها السلام بهترین الگو و نمونه برای زنان مسلمان به شمار می‌روند؛ الگویی که با پیروی از او، نه در زمینه فعالیت‌های فردی و خانوادگی زن مسلمان ابهام و ایرادی باقی می‌ماند و نه در زمینه فعالیت‌های اجتماعی زنان مسلمان و باید‌ها و نبایدهای آن شک و شبهه‌ای بروز می‌نماید.

به امید آنکه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام الگوی واقعی زنان مسلمان قرار گیرند و این امر از جنبه شعار وارد جنبه عمل گردد؛ همان‌گونه که این حرکت ارزشمند در ایران اسلامی با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی آغاز شده و برکات آن در جامعه به خوبی قابل مشاهده است.

منابع

* قرآن كريم.

* نهج البلاغه.

١. ابن ابى الحديد، عبدالمجيد بن هبةالله بغدادى؛ شرح نهج البلاغه؛ محمد ابوالفضل ابراهيم؛ ج دوم، بيروت؛ داراحياء التراث العربى، ١٣٨٧ ق / ١٩٦٧ م.
٢. ابن اثير جزرى، على بن محمد؛ اسدالغابة فى معرفة الصحابة؛ مصر: الوهبية، ١٢٨٥ ق.
٣. ابن جوزى، ابوالفرج عبدالرحمن بن على قرشى (سبط ابن جوزى)؛ تذكرة الخواص؛ ج دوم، نجف: مطبعة علمية، ١٣٦٩ ق.
٤. ابن طيفور، ابوالفضل احمد بن ابى طاهر؛ بلاغات النساء؛ قم: مكتبة بصيرتى، ١٣٦١ ق.
٥. ابن عبدالبر اندلسى، يوسف بن عبدالله؛ الاستيعاب فى هامش الاصابة؛ حيدرآباد دكن؛ مجلس دائرةالمعارف النظامية، ١٣٣٦ ق.
٦. ابن قتيبه دينورى، ابومحمد عبدالله بن مسلم؛ الامامة والسياسة؛ مصر: المصطفى الحلبى، [بى تا].
٧. ابن هشام، ابومحمد عبدالملك؛ السيرة النبوية؛ مصطفى سقاء و ابراهيم الابيارى و عبدالحفيظ شبلى؛ قم: مكتبة المصطفى ١٣٥٥ ق / ١٩٣٧ م، طبق چاپ مصطفى حلبى و أولاده بمصر.
٨. احمد بن حنبل؛ مسند؛ مصر: مطبعة الميمنة، ١٣١٣ ق.
٩. اربلى، ابوالحسن على بن عيسى بن ابى الفتح؛ كشف الغمة فى معرفة الائمة؛ قم: شريعت، ١٤٢١ ق / ١٣٧٩ ش.
١٠. اصفهانى، ابونعيم احمد بن عبدالله؛ حلية الأولياء؛ مصر: دارالسعادة، ١٣٥١ ق.
١١. اندلسى، احمد بن محمد بن عبد ربه؛ العقد الفريد؛ قاهره: المطبعة الازهرية، ١٣٤٦ ق / ١٩٢٨ م.
١٢. بخارى، ابوعبدالله محمد بن اسماعيل؛ صحيح البخارى؛ بيروت: دارالاحياء التراث العربى، ١٤٢٢ ق / ٢٠٠١ م.
١٣. بلاذرى، احمد بن يحيى بن جابر؛ انساب الاشراف؛ شيخ محمد باقر محمودى؛ قم: مجمع احياء الثقافة الاسلامية، ١٤١٦ ق.
١٤. ترمذى، ابوعيسى محمد بن عيسى بن سوره؛ سنن الترمذى؛ مصر: المطبعة الكبرى، ١٢٩٢ ق.
١٥. ثعلبى، ابواسحق احمد؛ الكشف والبيان؛ ابومحمد بن عاشورا؛ بيروت: داراحياء التراث العربى، ١٤٢٢ ق / ٢٠٠٢ م.
١٦. ثعلبى، احمد بن محمد بن ابراهيم؛ قصص الانبياء؛ بمبئى: مطبعة حيدرى، [بى تا].
١٧. حاكم، محمد بن عبدالله نيشابورى؛ المستدرک على الصحيحين؛ حيدرآباد: مجلس دائرةالمعارف النظامية، ١٣٢٤ ق.
١٨. حصرمى، احمد بن فضل بن محمد (باكثير حصرمى)؛ وسيلة الآمال؛ دمشق: مكتبة الظاهرية، [بى تا].

١٩. خوارزمی، ابوالمؤید موفق بن احمد (أخطب خوارزم)؛ مقتل الحسين؛ [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
٢٠. خوارزمی، ابوبکر؛ مناقب الامام علی بن ابیطالب علیه السلام؛ تبریز: مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤١١ ق.
٢١. ذهبی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان دمشقی؛ میزان الاعتدال؛ مصر: السعادة، ١٣٢٥ ق / ١٩٦٣ م.
٢٢. زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر خوارزمی؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ١٤٢٤ ق.
٢٣. _____؛ ربيع الابرار و نصوص الاخبار؛ دکتر سلیم نعیمی؛ قم: مطبعة امیر، ١٤١٠ ق.
٢٤. سایت اینترنتی: <http://www.yazahra.net>.
٢٥. سمهودی، نورالدین علی؛ وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی؛ مصر: مطبعة آداب و مؤید، ١٣٢٦ ق.
٢٦. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر؛ الدر المنثور؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤٢١ ق.
٢٧. صفوری، عبدالرحمن بن عبدالاسلام؛ نزهة المجالس و منتخب النفائس؛ قاهره: عثمان خلیفة، [بی تا].
٢٨. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر؛ تاریخ الطبری المعروف بتاريخ الامم و الملوك؛ قاهره: الاستقامة، ١٣٥٨ ق.
٢٩. طبری، محب الدین؛ ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی؛ مصر: حسام الدین القدسی، ١٣٥٦ ق.
٣٠. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر؛ الاصابة فی تمییز الصحابة؛ مصر: مطابق نسخه چاپ شده در کلکته، ١٨٥٣ م.
٣١. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم؛ ینایع المودة؛ ج هشتم، قم: مکتبه محمدی، ١٣٨٥ ق.
٣٢. متقی هندی، علاء الدین علی المتقی بن حیام الدین؛ کنز العمال فی سنن الاقوال والاعمال؛ حیدرآباد دکن: مجلس دائرة المعارف النظامیة، ١٣١٢ ق.
٣٣. مسلم نیشابوری، ابوالحسین مسلم بن حجاج قشیری؛ صحیح مسلم؛ ریاض: دارالمغنی، ١٤١٩ ق.
٣٤. میرزا آقا، احمد بن عبدالرحیم؛ شرح خطبه حضرت فاطمه علیها السلام؛ تبریز: [بی نا]، ١٣٤٨ ش.
٣٥. هیثمی، شهاب الدین احمد بن حجر؛ الصواعق المحرقة؛ مصر: مطبعة المیمینة، ١٣١٢ ق.
٣٦. هیثمی، علی بن ابی بکر؛ مجمع الزوائد و منبع الفوائد؛ عبدالله محمد درویش؛ بیروت: دارالفکر، ١٤١٤ ق.
٣٧. یمان، دکتر محمد عبده؛ أم المؤمنین خدیجة بنت خویلد؛ دمشق: مؤسسه علوم القرآن، ١٤٢١ ق.